

مفهوم و ماهیت مجازات

نوشته

دیوید شیکر

مترجم

دکتر حسین آقایی جنت مکان

عضو هیأت علمی دانشگاه - تبریز هواز

انتشارات جنگل

سرشناسه	Shichor, David / دیوید / شیکر :
عنوان و نام پدیدآور	مفهوم و ماهیت مجازات / نوشته: دیوید شیکر؛ مترجم: حسین آقای جنت مکان :
مشخصات نشر	تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۳۳۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۲۱۱-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: The Meaning and Nature of Punishment, c2006
ادداشت	چاپ قبلی: دانشگاه شهید چمران، ۱۳۸۹ (ش، ۳۴۲ ص).
ادداشت	واژه نامه.
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	اجرای عدالت کیفری
موضوع	مجازات - - فلسفه
شناس افز	آقای جنت مکان، حسین، ۱۳۴۳-، مترجم
رده بندی	۱۳۹۳ م ۹ ش / HY۴۱۹
رده بندی دیویی	۳۴۴
شماره کتابشناسی	۳۶

جنگل

عنوان کتاب: مفهوم و ماهیت مجازات
مترجم: دکتر حسین آقای جنت مکان
ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه
ناظر فنی: امین لشکری
نوبت و سال چاپ: اول از ناشر، ۱۳۹۳
قطع و تیراژ: وزیری، ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۲۱۱-۲

<http://www.junglepub.org>
[email:// Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰
۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۶۷-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف

مقدمه مترجم

بخش نخست: فلسفه مجازات

- ۱- کنترل اجتماعی ۲
- کنترل رسمی و غیررسمی ۳
- حقوق مدنی و حقوق کیفری ۷
- مجازات ۹
- ۲- جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین قانون مجازات ۱۳
- سازمان اجتماعی و کنترل اجتماعی ۱۴
- عقلانیت رسمی ۱۷
- مدل‌های حقوقی ۱۸
- کارکردهای نمادین حقوق ۲۵
- حفظ ارزش‌ها ۲۶
- کارکرد صریح ۲۷
- ۳- نظریه‌ها و مبانی مجازات ۲۹
- سزادهی ۳۰
- بازدارندگی ۳۶

۴۷.....	توان گیری
۵۰.....	بازپروری
۶۷.....	بازسازی گاری
۷۲.....	حفظ روحیه ی پیروان قانون

۷۵.....	۴- گرایش های فعلی در سیاست ها و برنامه های کیفری
۷۷.....	رهیافت نئوسزاده ی
۸۴.....	رهیافت نئوفایده گرایی
۸۷.....	مباحث معاصر
۹۱.....	توان گیری
۹۵.....	عدالت کیفری
۱۰۵.....	کیفرشناسی نو

بخش دوم: چگونگی مجازات

۱۱۸.....	۵- تکامل زندان
۱۲۲.....	جاشویی ها و نوانخانه ها
۱۲۴.....	تبعید و اعزام
۱۲۷.....	۶- ظهور ندامتگاه ها و زندان ها
۱۲۸.....	تأثیرات عصر روشنگری
۱۲۹.....	کواکرها و سیستم پنسیلوانیایی
۱۳۴.....	سیستم آبورنی
۱۴۰.....	توسعه زندان
۱۴۱.....	کاستن از کار زندانی
۱۴۳.....	نقش دادگاه ها
۱۴۷.....	مؤسسات جمعی
۱۵۰.....	خرده فرهنگ های زندانی
۱۵۶.....	حبس کردن به عنوان یک سیاست

۱۵۹.....	۷- مسائل نوظهور: زندان‌های خصوصی و زندانیان زن
۱۵۹.....	زندان‌های خصوصی
۱۶۸.....	زندانیان زن
۱۷۳.....	۸- آزادی مشروط
۱۷۳.....	آکساندر مکونوچی
۱۷۶.....	آزادی مشروط
۱۷۸.....	رکزی سیاسی
۱۸۱.....	نارسیته عمومی
۱۸۳.....	۹- تعلیق، اقامت و مجازات‌های بینابین
۱۸۳.....	تعلیق مراقبتی
۱۸۵.....	جان آگوستوس و تعلیق مراقبتی
۱۸۶.....	تعلیق مراقبتی مشروط
۱۸۸.....	گزارش‌های حضور
۱۸۹.....	مجازات‌های بینابین
۱۹۰.....	نظارت الکترونیکی
۱۹۱.....	تعلیق مراقبتی فشرده و اردوگاه‌های اصلاحی - تعلیق مراقبتی
۱۹۳.....	نظارت فشرده در تعلیق مراقبتی
۱۹۵.....	بازداشت خانگی
۱۹۶.....	جزای نقدی
۲۰۰.....	صدور دستور خدمات اجتماعی
۲۰۳.....	۱۰- مجازات اعدام
۲۰۱.....	پیشینه‌ی تاریخی
۲۰۶.....	مطابقت با قانون اساسی
۲۰۶.....	فورمن علیه جورجیا
۲۰۹.....	مک کلسکی علیه کمپ
۲۱۰.....	استدلال‌ها و نگرانی‌ها

۲۱۱	بازدارندگی
۲۱۵	فاصله‌ی بین صدور حکم اعدام و اجرای آن
۲۱۷	محکومیت‌های اشتباهی
۲۲۱	مجازات اعدام برای جوانان و بیماران روانی
۲۲۴	افکار عمومی و چشم‌انداز بین‌المللی
۲۲۸	۱۱- مسائل خاص در اجرای مجازات
۲۲۹	تازات‌های اجباری و قوانین سه ضربه
۲۳۹	کمیسیون‌های تعیین مجازات و دادگاه‌های جانشین
۲۴۴	مجازات اعدام
۲۴۸	مجازات حبس به جای مجازات اعدام و جرم شرکتی
۲۶۳	نتیجه‌گیری
۲۶۵	واژه‌نامه تخصصی انگلیسی-فارسی
۲۸۳	منابع و مآخذ

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و عقاید متعارضی پیرامون قوانین و عرف‌هایی وجود دارد که زندگی روزانه با یک جامعه تنظیم می‌نمایند و در مورد اینکه چگونه درک کنیم و برخورد کنیم با کسانی که معیارهای مورد قبول [جامعه] را نقض می‌کنند. مجازات رسمی افراد به عنوان یک واکنش سازمان‌یافته نسبت به قانون‌شکنان مسائل زیادی را باعث می‌شود و بحث‌های جدید را خصوصاً مبنایی، اهداف، کارکردهای اجتماعی و شیوه‌های واکنش جامعه نسبت به تخلفات مطرح می‌گردد.

نظریه قرارداد اجتماعی که توسط متفکران عصر روشنگری مطرح گردید، عقیده دارد که قوانین نتیجهٔ اجماع عمومی اعضای جامعه هستند. مطابق با این دیدگاه آرمانی، قوانین نمایندهٔ ارزش‌های اصلی تمامی اعضا باشند. هرکس، باید آنان را مدنظر قرار دهد و از آن‌ها پیروی نماید. اما در واقع، قوانین مستمراً سوی بسیاری از اعضای جامعه نادیده گرفته شده و نقض می‌شوند. مجازات وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی است، هدف مجازات وارد کردن میزانی از درد برای کسانی است که قانون نقض می‌کنند و به دیگران صدمه وارد می‌سازند.

مجازات یک عضو جامعه باعث طرح مسائل اخلاقی و معنوی مهمی می‌گردد. مجازات همچنین باعث طرح مسائلی در مورد موضوعات اجتماعی نظیر عدالت و تبعیض می‌گردد. مجازات که در یک جامعه متمدنی یک نشانهٔ مثبت است، موضوع دردناک و ترسناکی نیز به شمار می‌رود. این مسأله که جوامع در مورد مجازات احساس ناراحتی می‌کنند، امر مطلوبی است، چنانچه مردم مجازات را به جای آن که یک واقع مطلوب بدانند یک بد ضروری تلقی می‌کنند. جامعه‌ای که در مورد زندانی کردن ده‌ها هزار نفر تحت شرایط طاقت‌فرسا از نظر احساس اخلاقی برانگیخته نمی‌شود، نسبت به آزادی یک تعهد مبهم دارد.

با اینکه می‌پذیریم که مجازات به منظور حفظ میزانی از نظم اجتماعی لازم است، وزیر سابق دادگستری اسرائیل و قاضی دیوان عالی این کشور، هیم کوهن (۱۹۹۱) دیدگاه بدبینانه‌ای را در مورد فرآیند کیفری بیان داشته است. او مجازات را به شرح زیر توضیح داده است.

مملو از بسیاری از بی‌عدالتی‌ها ... بسیاری از عدم قطعیت‌ها و خطرناکی، به‌طوری که ادعای ما در خصوص اجرای عدالت (با محروم کردن مجرمان از حقوق بشر بنیادی) کاملاً غیر اخلاقی است. من متأسفم که بدترین چیز در مورد اقدام غیر اخلاقی فوق این است که نمی‌تواند با خلاقیت انسانی جبران گردد.

این عقیده از سوی بسیاری کاملاً پذیرفته نشده، اما شنیدن آن از چنین مقام عالی به قضایای جای تعجب دارد و مورد ایراد است و پیچیدگی مسأله‌ی مجازات را نشان می‌دهد.

در این کتاب مجازات به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی مهم، ماهیت قانونی و تأثیرات فرهنگی آن شکل می‌دهند، به‌طور اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد. ما به مبانی، اهداف و کارکردهای مجازات، علاوه بر سیاست‌های کیفری که برای رسیدن به اهداف مجازاتی خاص اجرا می‌شوند، نظر خواهیم کرد. این کتاب معماهایی را برجسته می‌کند: عدالت در مقابل فایده‌گرایی، عدالت در مقابل اختصاصیت و اجماع در مقابل تعارض.

مباحث نظری و مبانی مجازات، ارزش‌های اساسی در رابطه با عدالت، حقوق بشر، برابری اجتماعی و روابط بین دولت و شهروندان را مشخص می‌سازد. این کتاب همچنین به منابع تاریخی و ریشه‌های نظریه‌های مختلف کیفری و سیاست‌های کیفری و برنامه‌های عملی اشاره خواهد کرد.

مقدمه مترجم

... عمل همواره در پی نظر می‌آید، هرچند با آهستگی و گام به گام
بنژمن کنستان

ضمانت اجرایی کیفری علی‌الخصوص مجازات، حاصل جمع همه‌ی تلاش‌های
کیفری نهادهای عدلی قضایی است. مهم‌ترین کارکرد قوانین کیفری تعیین مجازات
برای اعمال ممنوعه می‌باشد. مجازات واکنشی جامعوی نسبت به عملی است که به
کل جامعه صدمه می‌زند. مجازات شیوه‌ای است که متضمن ورود درد یا رنج حساب
شده به دیگری است، چیزی که با شرایط مضاعف و احوال عادی آن را از نظر
اخلاقی ممنوع می‌دانیم. به همین دلیل به شرح مسائل مختلف اخلاقی و معنوی
می‌گردد. طبیعت پیچیده مجازات به ویژه در کشورهای غربی یک مسأله فلسفی و
عملی مهمی محسوب می‌گردد به‌طوری که از آن دیدگاه کیفرشناسی به عنوان
معما یاد می‌شود. مجازات یک پدیده مجرد و انتزاعی نیست بلکه مجازات یکی از
جلوه‌های سیاست جنایی هر کشوری است که خود نیز تابعی از سیاست عمومی و
کلی هر کشور محسوب می‌گردد.

در طول تاریخ بشری دو سؤال همیشه ذهن مردم و به ویژه فلسفه اخلاق و حقوق
حقوق دانان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، سیاست‌مداران و جرم‌شناسان را به خود
مشغول داشته است، و تاکنون نیز پاسخ صریح و روشنی به آن‌ها داده نشده است. سؤال
نخست این است که چرا مجازات؟ و سؤال دوم این است که چگونه مجازات؟ سؤال
نخست به فلسفه‌ی مجازات‌ها اشاره دارد و سؤال دوم به شیوه‌ها و روش‌های اعمال
مجازات می‌پردازد. هرچند این دو مسأله از هم قابل تفکیک می‌باشند، لکن، دو مسأله‌ی
کاملاً مرتبط با هم هستند.

جامعه باید مجازت‌هایی که قصد تحمیل آن‌ها را دارد، توجیه نماید؛ زیرا مجازات متضمن دخالت دولت در وارد کردن عمدی درد و رنج یا محرومیت می‌باشد. پاسخ‌های متفاوتی تاکنون به این پرسش‌ها داده شده است. برخی در پاسخ به این سؤال که چه دلیلی برای سلب آزادی انسان‌ها، به عنوان یک نوع مجازات وجود دارد، به نظریه آزادی مثبت، برای موجه جلوه دادن تحدید انسان‌ها و وارد کردن فشار بر آن‌ها متوسل می‌شوند. توجیه این اقدام آن است که، فقط از طریق پشتیبانی و حمایت کردن از اشخاص، در برابر صدماتی که خود بر خویشان وارد می‌کنند، می‌توان آن‌ها را در دستیابی به آزادی حقیقی یاری داد.

فلاسنفای نظیر هابز، جان لاک و روسو مبنای کیفر را قرارداد اجتماعی می‌دانند،^۱ به قول با نفی آن، به دولت اجازه می‌دهد وی را مجازات نماید. برخی نیز حق مجازات جامعه را همان حق اجتماعی آن یعنی حفظ نظم توجیه کرده‌اند.^۲

سایر فیلسوفان کوشیده‌اند تا مجازات افراد به دست دولت‌ها را بر اساس چهار اصل بنیادین توجیه کنند. اصل این توجیهات عبارتند از: ۱- مجازات به عنوان عامل تلافی؛ ۲- مجازات به عنوان عامل بازدارنده؛ ۳- مجازات به عنوان راه حمایت از جامعه و ۴- مجازات به عنوان راه اصلاح و تحسین اخلاق.^۳

قدیمی‌ترین و سنتی‌ترین مبنای سزادهی است. سزادهی یک هدف غیرقابل انکار مجازات‌ها است. دیدگاه سزادهی بر این مبنایستوار است که هر کس مرتکب جرم شود، باید مجازات گردد و این مجازات استحقاق و معیار برابر قانون شکنی است. خواه این مجازات سودی برای مرتکب جرم یا جامعه داشته باشد یا نداشته باشد. به عبارت دیگر، در این دیدگاه مجازات باید آینه‌دار جرم باشد. هر یک از دیدگاه عدم استحقاق افراد را در موارد استثنایی نظیر جنون یا بیماری حاد روانی از نظر سزا نداشتن است، لکن، معتقد است که مجازات پاسخ به یک عمل خلاف قانون است و اهمیت جرم ارتكابی نیز براساس شدت و سختی مجازات تعیین می‌شود. معروف به اصل تناسب.

۱- پرادل، ژان. تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. انتشارات دانشگاه بهشتی. ص ۳۲.

۲- آقایی، مجید. مکاتب کیفری. انتشارات خرسندی. ۱۳۸۶. ص ۱۶۰.

۳- واربرتون، تیگل. مسائل فلسفه سیاسی معاصر و نقدی بر آنها (ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی). مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی. شماره ۱۶۵-۱۶۶. سال ۱۳۸۰.

برای مجازات در اصطلاح حقوق روم، حقوق مقابله به مثل (lex talionis) نامیده می‌شود- چشم در مقابل چشم و دندان در مقابل دندان. این مبنا ابتدا در قوانین حمورابی و سپس در تورات و انجیل و سرانجام در قرآن وارد شده است. این دیدگاه از توجیه بسیاری از مجازات‌ها ناتوان است. برای مثال، چنانچه شخصی مرتکب آدم‌ربایی گردد چگونه می‌توان وی را به مجازات برابر محکوم کرد.

معروف‌ترین دانشمند طرفدار این اندیشه، امانوئل کانت فیلسوف آلمانی است. وی معتقد است کسی که جرمی را مرتکب می‌شود باید مجازات شود؛ زیرا او به دلایل اخلاق مستحق مجازات است. تلافی‌جویی یکی از اصول کیفری مکتب کلاسیک (classical school) جنایی‌شناسی است. پیروان این مکتب معتقدند سزادهی، به عنوان یکی از مبانی مجازات، بر اساس عقلانیت انسان استوار است. اصل عدالت صرف (just desert) یک مفهوم اساسی تلافی‌جویی است که بر اساس آن افراد باید آنچه را استحقاق دارند، مجازات شوند. بر اساس شدت صدمه‌ای که وارد کرده‌اند.

مبنای مهم دیگر در توجیه مجازات بازدارندگی است. از این رویکرد برخی تحت عنوان رویکرد سودمندی مجازات یاد می‌کنند. اصل اساسی این رویکرد بازدارندگی مجازات است. بازدارندگی بر این اصل استوار است که مجازات به معنای وارد کردن درد غیر قابل توجیه است، مگر آن که بتوان نشان داد که رفتار خوب احتمالاً از تحمیل مجازات به جای خودداری کردن از آن حاصل می‌شود.

پیشگیری، یک مفهوم اساسی در رویکرد بازدارندگی مجازات است. از حیث زمانی کانون اصلی این مدل مجازات، بر آینده متمرکز است. بازدارندگی یک اصل فایده‌گرا است. فایده‌گرایی به عنوان یک بینش فلسفی، به درست‌ترین شیوه برای یک عمل، مطابق با فایده مورد انتظار از آن می‌نگرد. این بینش فکری نیز به شدت تحت تأثیر دوره‌ی روشنگری بوده است. بنام پدر مکتب فلسفی فایده‌گرایی، بازدارندگی به عنوان مبنای اصلی مجازات روشن ساخت و خصیصه‌ی اصلی مجازات را: تحقق بازدارندگی خوشی برای بیشترین تعداد از افراد جامعه می‌داند.

یکی دیگر از مبانی مهم مجازات توان‌گیری (incapacitation) است. توان‌گیری را منزوی کردن یک مجرم در جامعه بزرگتر، از طریق بازداشتن او از ارتکاب جرم در آن جامعه تعریف کرده‌اند. در نوشتگان علوم جنایی پارسی، توان‌گیری را در دو معنا به

کار گرفته‌اند: یکی به معنای ناتوان‌سازی (خنثی کردن) و دیگری به معنای سلب صلاحیت می‌باشد.

توان‌گیری ساده‌ترین و ملموس‌ترین شکل اجرای مجازات می‌باشد. این شکل از مجازات همانند نظریه بازدارندگی بر آینده تأکید دارد. هدف این بینش کیفری پیشگیری از جرایم در آینده است. این بینش در هدف و جهت‌گیری شبیه به بازدارندگی خاص است؛ زیرا به سوی مجرمان خاصی سوق پیدا می‌کند.

سادگی توان‌گیری منجر به پذیرش وسیع آن به عنوان یک سیاست کیفری از دهه ۱۹۷۰ گردیده است. توان‌گیری به لحاظ معمولی و عینی بودن آن مورد توجه قانونگذاران، مقامات دولتی، سیاست‌مداران و افکار عمومی قرار گرفته است. همانگونه که تکلین، میمرینگ و گوردن هاوکینز اظهار می‌دارند: هدف توان‌گیری بر خلاف بازدارندگی و بازپروری، کنترل مجرمان است. استفاده بیش از حد از توان‌گیری به عنوان یک سیاست کیفری عمومی در دهه‌ی آخر قرن بیستم به بروز مشکلاتی نظیر رشد سریع جمعیت کیفری، هزینه‌ی سنگین ساخت مؤسسات اصلاح و تربیت و وخامت شرایط زندانیان در ایالات متحده، منجر شد.

تحت تأثیر اندیشه‌های روشنفکری و دئولوژی کیفری بازپروری به تدریج به یک اصل مهم در برخورد با مجرمان متحول شده از نیمه دوم قرن نوزدهم تبدیل گردید. به‌طور کلی، نظریه بازپروری بر این فرض استوار است که موفقیت در ایجاد تغییر در نگرش، به ایجاد تغییرات مثبت رفتاری نیز منجر خواهد شد. نظریه بازپروری و اصلاح مجرم بر ارزش‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بشر تأکید دارد و از کنار گذاشتن اشکال جدید مجازات جسمی حمایت می‌کند. با چند نظریه اصلاح و بازپروری مجرم در روزگار باستان ریشه دارد، با اینحال تحول اجتماعی، پزشکی و نفوذ روانشناسی و روانکاوی به پیشرفت نظریه بازپروری به عنوان یک مسئله بشردوستانه و به عنوان نشانه‌ای از مدرنیته و ترقی‌خواهی کمک کرد. با پیشرفت نظریه بازپروری، مجازات مجرمان عمدتاً از مجازات بدنی که در جلوی دیدگان مردم اجرا می‌شد، به سمت تغییر باورهای روحی و روانی تحول پیدا کرد.

تغییر در رفتار مجرمان و تبدیل آنان به شهروندان مطیع قانون، یک مفهوم اساسی در اندیشه بازپروری است. نتیجتاً، نظریه اصلاح و بازپروری آینده‌نگر است و خصیصه

نفع‌گرایی دارد. این نوع نگاه نسبت به رفتارهای جنایی، به طرح مجازات‌های نامعین منجر گردید، با این استدلال که بازپروری و اصلاح اشخاص متفاوت دوره‌های زمانی مختلف را اقتضاء دارد. علی‌رغم کاستن از اهمیت نظریه بازپروری از دهه ۱۹۷۰، بسیاری از ایده‌های اصلی بازپروری هنوز در حال رشد هستند. این نظریه، ریشه در فرهنگ غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا دارد.

نظریه بازسازگاری در طول دهه‌ی ۱۹۶۰ و ابتدای ۱۹۷۰ به یک موضوع پرستار تبدیل گردید. این مفهوم که با اندیشه‌ی بازپروری مربوط است، بر کمک به مجرمین برای یادگیری شیوه‌های زندگی و کارکرد مسالمت‌آمیز در جامعه تأکید دارد. فلسفه‌ی بازسازگاری مدعی است که باید تلاش شود تا گرایش‌های حاکم در جامعه به سمت مجرمین که برای جرایم خود مجازات گردیده‌اند، تغییر کند. طرفداران بازسازگاری ادعا می‌کنند که هدف اصلی نظام عدالت کیفری نباید مجازات باشد، به جای مجازات باید به واد کردن مجرمین در جامعه توجه شود. به منظور تسهیل بازسازگاری مجدد مجرمین، اعضای سازگار و مولد جامعه، نگرش مردم و همچنین الگوهای اجتماعی که به تولید رفتار جنایی مستمر کمک می‌کند، نسبت به آن‌ها باید تغییر کند.

یکی دیگر از مبانی مهم مجازات که در ادبیات تخصصی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، حفظ روحیه‌ی پیروان قانون است. این مبنا که یک مؤلفه قویاً کارکردگرا دارد از اندیشه‌ی دور‌کیم در مورد کارکردهای اجتماعی مجازات الهام گرفته است. افراد مطیع قانون باید باور داشته باشند که قوانین اجرا خواهند شد و تشکیک به سزای اعمال خود خواهند رسید. این امر منجر به همبستگی شهروندان مطیع قانون با هم علیه ناقضان قانون خواهد بود.

در سال‌های اخیر تغییرات عمده‌ای در سیاست‌ها و برنامه‌های کیفری به‌مناسبت دهه است. این تغییرات در دو سطح نظری و عملی صورت گرفته است. اندیشه‌ی بازپروری که در عصر ترقی و پیشرفت حاکم شده بود، از سوی سیاست‌مداران، محافل دانشگاهی، سیاست‌گذاران و بخش‌های زیادی از افکار عمومی در طول دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مورد انتقاد شدید قرار گرفت. رادیکال‌ها نارضایتی خود را نسبت به سیاست‌های کیفری مبتنی بر اصول بازپروری اعلام داشتند؛ زیرا آن‌ها را بسیار نرم و ملایم می‌دانستند. ریچارد کوبینی در

انتقادات خود از نظریه بازپروری آورده است: نظریه بازپروری بسیاری از رویه‌های سرکوبگر را تحت نام اصلاحات لیبرالی و فردی ساختن بر خورد ایجاد می‌کند.

جرم‌شناسان رادیکال نیز رویکردهای سنتی را مورد انتقاد قرار داده‌اند. محافظه‌کاران و دست‌اندرکاران سیاست «قانون و نظم» نیز ادعا می‌کنند که سیاست‌های بازپروری نرخ جرم و ترس مردم از جرم را کاهش نمی‌دهد. طرفداران حقوق بزه‌دیدگان نیز صرف‌نظر از جهت‌گیری ایدئولوژیکی‌شان، سیاست‌های بازپروری را مورد انتقاد قرار داده‌اند و مدعی هستند که توجه اصلی باید برای کمک به بزه‌دیدگان متمرکز باشد تا برتکبان جرم.

یکی از بینش‌های کیفری که از دهه‌ی ۱۹۷۰ به عنوان نقطه‌ی تقابل سو استفاده‌ی ظاهری که از نظریه‌ی بازپروری (ادعای لیبرال‌ها) و برخورد ملایم (ادعای محافظه‌کاران) می‌گرفت، ارتقاء پیدا کرد، رویکرد نئو سزاده‌ی بود. این رویکرد که گاهی از آن به عنوان نظریه‌ی عدالت (Justice Model) یاد می‌شود، تا حدود زیادی بازگشت به اندیشه‌های کلاسیک و مکتب کلاسیک جرم‌شناسی است.

ویژگی اصلی نظریه‌ی عدالت این است که معیار تعیین شدت مجازات، اهمیت جرم می‌باشد - که بر مبنای صدمه‌ی تعیین می‌شود. طرفداران این دیدگاه عقیده دارند که تعیین میزان مجازات بر اساس صدمه‌ی وارده تنها راه تعیین مجازات عادلانه می‌باشد. طرفداران بینش کیفری نئو سزاده‌ی مخالف سیاست تعیین مجازات‌های نامعین هستند. اندروفن هیرش (۱۹۷۶) یکی از نویسندگان بارز این بینش را تعیین مجازات بر اساس رفتار جنایی گذشته می‌داند.

ورود رهیافت نئو فایده‌گرایی در سیاست‌های کیفری، به مدل پذیرش مدل کنترل جرم و کنار گذاشتن مدل تشریفات قانونی است که در این نظریه‌ی جرم‌پذیری مورد توجه بوده است. هر چند هر دو مدل تشریفات قانونی و مدل کنترل جرم، کنترل جرم تأکید دارند، لیکن، این دو مدل بر نظام ارزشی متفاوتی تأکید دارند. مدل لیبرال جرم بیشتر مورد حمایت محافظه‌کاران و مدل تشریفات قانونی از سوی لیبرال‌ها حمایت می‌گردد.^۱

۱- برای مطالعه‌ی بیشتر پیرامون دو مدل بالا رک: قبانچی، حسام و حمیدرضا دانش ناری، الگوهای دوگانه‌ی فرایند کیفری «کنترل جرم» و «دادرسی منصفانه». مجله‌ی آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۱، ش ۴ صص ۱۶۷ به بعد.

توان‌گیری‌گزینشی (selective incapacitation) مبنای مهم دیگر سیاست‌های کیفری است. نظریات و تحقیقات نشان داده است که تعداد نسبتاً کمی از مجرمان سرسخت در قبال تعداد زیادی از جرایم مسئول شناخته می‌شوند. در تحقیقاتی که در آمریکا از آمار پلیس صورت گرفت نشان داد که تنها گروه نسبتاً کوچکی، حدود ۶/۳٪ در قبال بالغ بر ۵۰٪ جرایم ارتكابی از سوی کل گروه مسئول شناخته می‌شوند.

یکی از تحولات اخیر در زمینه کیفرشناسی توجه به رویکرد عدالت ترمیمی است. عدالت ترمیمی که شباهت زیادی را به اندیشه‌های بازپروری نشان می‌دهد، به دنبال معرفی شیوه‌های حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات در نظام کیفری به جای مدل خصمانه فعلی است. عدالت ترمیمی جرایم را به عنوان تجاوز و تعدی نسبت به مردم می‌داند، نه تاز او ز نسبت به دولت.

عدالت ترمیمی ریشه در دوران باستان دارد. در دوران قرون وسطی نیز شیوه‌های داوری و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات رایج بوده است. لکن با تشکیل دولت مدرن و تلقی کردن جرم به عنوان نقض عدالت، عدالت کیفری و شیوه‌های اعمال آن از دست افراد گرفته شد و یکسره در اختیار نمایندگان دولت قرار گرفت.

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ علاقه به کاستن شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات خارج از نظام عدالت کیفری مجدداً احیا شد. مبنای نظام عدالت ترمیمی، خصوصی‌سازی جرم می‌باشد. عدالت ترمیمی رویکرد اصلاح و بازپروری را که در ربع آخر قرن بیستم از اهمیت آن کاسته شده بود، زنده کرد. فلسفه‌ی عدالت ترمیمی توجه به جبران خسارت بزه‌دیدگان و جامعه از یک طرف، و تلاش در جهت افزایش توانایی بزه‌کاران برای فعالیت در یک جامعه آزاد از طرف دیگر، می‌باشد. با وجود این، ادعای عدالت ترمیمی در جوامع ناهمگن و پیچیده با مشکلاتی روبرو می‌شود.

در سال‌های اخیر رویکرد دیگری شکل گرفته و جانشین رویکرد مجازات گردید، که رویکرد مدیریت خطر نام دارد. این رویکرد به خطرات ناشی از پیشرفت فناوری و صنعتی شدن و مدرنیته شدن تأکید دارد. سرعت و رشد بی‌سابقه پیشرفت‌های فناوری، تغییرات مهم اقتصادی، اجتماعی را با خود به همراه آورده است. و بسیاری از خطرانی را که قبلاً ناشناخته یا مغفول مانده بودند، ایجاد کرده است. هدف اصلی کنترل خطر، کاهش فرصت‌ها برای مجرمان احتمالی است که باعث آسیب می‌شوند و به خاطر

بازداشت و مجازات شدن، خطر ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند. یکی از پیامدهای کیفرشناسی مدیریت خطر، تأکید بر توان‌گیری است.

با توجه به ناکارآمدی بیشتر نظریه‌ها و سیاست‌های کیفری در زمینه کاهش یا ثابت نگه داشتن نرخ جرم، به ویژه در سال‌های آخر قرن بیستم، و حتی سال‌های آغازین قرن بیست و یکم سیاست کیفری شدیدی در مبارزه با جرم در پیش گرفته شده است. برخورد سختگیرانه با جرم (getting tough on crime) در آمریکا و سیاست‌های (zero tolerance) در انگلستان در پی شعار معروف «هیچ چیز کارآیی ندارد» اتخاذ شده است.

مسائل مهم دیگری وجود دارد که باید پاسخ داده شود از جمله این که چگونه جامعه با مجازات کند، و چه میزان مجازات باید در نظر گرفته شود. شیوه‌ها و اشکال مجازات، و خصوصیات و ویژگی‌های آن‌ها چه هستند؟ اهداف مجازات، اشکال مجازات را نیز شکل می‌دهد. اهداف اصلی، مبانی و اشکال مجازاتی که عمده‌تاً در جامعه اجرا می‌گردند، در این محورها و ماهیت آن جامعه نیز می‌باشند.

راهبردها و سیاست کیفری از یک طرف تابع نظریه‌ها و تئوری‌ها می‌باشند، از طرف دیگر، واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌توانند بر چگونگی شکل‌گیری برنامه‌های عملی تأثیر داشته باشند. روش‌ها اعمال مجازات نامحدود و احصاء‌ناشدنی است. نمی‌توان تاریخ دقیقی برای تعیین هر یک از این شیوه‌های اعمال و اجرای آن‌ها تعیین نمود. اما، می‌توان گفت، سابقه پیدایش مجازات‌ها به ماقبل تاریخ برمی‌گردد. دوران باستان و نیز قرون وسطی یادآور مجازات‌های مخوف، وحشتناک و دردآوری است. هرچند منابع تاریخی زندان از بین رفتن یا تغییر یافته و متلاشی گردیده‌اند. لیکن، تاریخ‌نویسان از ویژگی‌های سیاه‌چال‌های باستان و زندان بزرگ در عهد سلسله میانه پادشاهی مصر یاد می‌کنند. رد پای زندان‌های عهد باستان را تنها می‌توان در ادبیات سخنوران یونانی و خطابه‌های افلاطون دید. برای مطالعه سده‌های باستان باید به متون مذهبی یهودی یعنی کتاب مقدس عهد عتیق (تورات) مراجعه کرد. نخستین مجموعه قوانین مربوط به حدود چهار هزار سال پیش یعنی قسوس حمورابی^۱ شامل مجموعه‌ای از جرایم و مجازات‌ها می‌باشد که بسیاری از آن‌ها تاکنون نیز حفظ شده‌اند.

۱- حمورابی (۱۷۹۲-۱۷۵۰ پیش از میلاد) پادشاه بابل که به دلیل مجموعه قوانین وی که به خط میخی بر روی لوح سنگی نگاشته شده معروف است. این سنگ نبشته در ۱۹۰۲-۱۹۰۱ توسط باستان‌شناسان فرانسوی کشف گردید.

شیوه‌های اعمال و اجرای مجازات نیز بسیار متنوع و نامحدود می‌باشد. مجازات‌ها در قدیم عبارت بودند از: غرق کردن در رودخانه، مثله کردن، به صلیب کشیدن، به آتش انداختن، سوزاندن، قطع اعضای بدن (گوش، چشم، دست، پستان‌ها) جوشاندن زنده زنده زندانیان، آویزان کردن، شقه‌شقه کردن و دریدن شکم، سنگسار کردن، شلاق زدن، نوشاندن شوکران (این مجازات در مورد سقراط اجرا شد)، خفه کردن، حبس کردن، جاشویی در کشتی‌ها، تبعید و اعزام، داغ کردن، پاره کردن شکم و قصاص.

داستان غم‌انگیز مجازات کردن دامی ین (مخالف سیاسی) که در مقدمه کتاب مراقب و تنبیه تألیف میشل فوکو به تفصیل شرح داده شده است، حکایت از عمق مجازات‌های مدرن و تنفرآمیز - حتی تا قبل از دوره روشنگری - دارد.

در قرن بیستم مسأله مجازات از یک مسأله صرف حقوق کیفری و کیفرشناسی به یک موضوع حقوق بشر تبدیل گردید. به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی، تغییر و چرخش مهم و اساسی در رویکرد جوامع نسبت به مجازات ایجاد شده است. به‌طوری که مجازات‌ها از مجازات‌های سخت و شدید به مجازات‌های نرم و ملایم تبدیل شده‌اند. برخی از مصادیق مجازات‌های معاصر عبارتند از: حبس به جای پاره کردن، جزای نقدی به جای حبس، کار به جای زندان، حبس در منزل، حبس الکترونیک، دستور خدمات اجتماعی، دستور انجام خدمات عام‌المنفعه، تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط و... بنابراین به نسل جدید مجازات‌ها در مقابل نسل سنتی و قدیمی نظری بیفکنیم، تغییر در نوع مجازات در نوع، میزان و ماهیت مجازات‌ها مشهود است. به عبارت دیگر، مجازات‌ها سمت‌انگیزی شدن پیش رفته‌اند.

امروزه، مذهب به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده نوع، میزان و شدت مجازات‌ها باشد. در خوانش متون دینی باید تحول ایجاد شود، همانگونه که بسیاری از آموزه‌های مذهب کنار گذاشته شده‌اند یا ناتوان از رویارویی با حوادث و پدیده‌های اجتماعی هستند. تحولات تاریخی مجازات‌ها نشان می‌دهد که ریشه اغلب مجازات‌هایی که در قوانین کیفری ایران آمده است، مجازات‌هایی هستند که قبل از میلاد مسیح، در قوانین حمورابی و قوانین هیتی‌ها بوده است. سپس این احکام در ده فرمان موسی گرد آمده‌اند و نهایتاً در انجیل و تورات و قرآن داخل شده‌اند. از این‌رو، می‌توان گفت هیچ مجازاتی

در اسلام ذاتی و اصیل نیست. مجازات باید انعطاف‌پذیر و تابعی از زمان و مکان باشد. مجازات ثابت و لایتغیر نمی‌تواند وجود داشته باشد.

از جمله ویژگی‌های مجازات‌ها در دوره جدید همان‌گونه که میشل فوکو اظهار داشته است، توجه مجازات‌ها از جنبه جسمانی افراد به سمت تغییر روحیه و روان افراد تغییر کرده است. همین‌طور، مجازات‌ها از سخت و خشن به مجازات‌های نرم و ملایم تغییر جهت داده‌اند.^۱

مروژه، بخش خصوصی و نیز جامعه نقش مهمی را در اجرای مجازات‌ها بازی می‌کند. یکی از تحولات از اواسط دهه ۱۹۸۰، مشارکت بخش خصوص در روند اجرای عدالت کیفری و ویژه مدیریت زندان‌ها بوده است. در بیشتر کشورهای غربی، علی‌الخصوص امریکا و انگلیس، دخالت بخش خصوصی در مراحل مختلف فرآیند عدالت کیفری وجود دارد. در امریکا، بخش خصوصی در خصوص‌سازی زندان‌ها اقتصادی است. مسائل زیادی پیرامون خصوصی‌سازی زندان‌ها توسط منتقدان مطرح گردیده است. یکی از مسائل مهمی که مطرح می‌شود این است که آیا مداخله بخش خصوصی در اجرای مجازات درست است یا خیر. با توجه به این اصل که آمریکا نظم داخلی وظیفه‌ی اصلی دولت است.

متأسفانه در ایران کتابی در زمینه کیفیت‌های خاص و ویژگی‌های آن کمتر به چشم می‌خورد.^۲ حتی در آموزش‌های حقوقی دانشگاهی نیز بیشتر بر جنبه‌های وقوع جرایم و

۱- در این مورد می‌توان به مجازات‌های اجتماعی جایگزین ا اشاره کرد که لایحه‌ای نیز در این زمینه به مجلس شورای اسلامی در ایران ارائه گردیده است.

۲- برای اطلاع از برخی تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع کتاب به نوشته‌های زیر مراجعه کنید: «مجازات و رفا: تاریخ راهبردهای کیفری» که در سال ۱۹۸۵ میلادی خایزه بین‌المللی جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی گردیده است؛ «فرهنگ کنترل: جرم و نظم اجتماعی در سده معاصر» نوشته دیوید گارلند که در سال ۲۰۰۱ از سوی دانشگاه آکسفورد و شیکاگو منتشر شده است؛ «مطالعاتی پیرامون مجازات» نوشته دیوید گارلند و آنتونی داف که در سال ۱۹۹۴ از سوی انتشارات آکسفورد منتشر شده است؛ «مجازات و جامعه مدرن: مطالعاتی در نظریه اجتماعی» که از سوی دانشگاه آکسفورد و شیکاگو در سال ۱۹۹۰ منتشر شده است؛ «مراقبت و تنبیه: تولد زندان» نوشته میشل فوکو که خوشبختانه به فارسی نیز ترجمه و از سوی انتشارات نی در سال ۱۳۷۸ منتشر شده است.

شایان ذکر است که منابع فوق از دیباچه‌ی مقاله مجازات و فناوری قدرت: اثر میشل فوکو. ذکر شده‌اند. این مقاله فصل ششم از کتاب مجازات و جامعه مدرن می‌باشد که به قلم اندیشمند فرهیخته دکتر رحیم نوبهار به فارسی برگردانده شده است.

ارکان و عناصر تشکیل دهنده آن‌ها توجه می‌شود و در خصوص کیفر بحث‌های اندکی مطرح می‌گردد، که متناسب با شأن و در خور توجه به این مهم نمی‌باشند. متن حاضر ترجمه کتاب «the meaning and nature of punishment» اثر پروفسور دیوید شیکر از California State University, San Bernardino می‌باشد. نویسنده کتاب را در دو بخش کاملاً مرتبط تألیف کرده است. در بخش نخست کتاب به بیان نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و مبانی تئوریک مجازات می‌پردازد. بخش دوم کتاب به بررسی شیوه‌ها و چگونگی اجرای مجازات‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی اختصاص دارد.

در تهیه اثر حاضر سعی شده تا حد امکان ترجمه با متن کتاب قرین بوده و با مقصود نویسنده در یک باشد. و ضمن وفاداری به نص و رعایت امانتداری به عنوان یک اصل اساسی سعی شده است آن را به شیوه‌ای روان و آسان درآورده تا برای دانشجویان و محققان قابل استفاده باشد البته هر جا لازم بوده برای تبیین مطالب نکاتی نیز اضافه شده است.

در پایان کتاب یک واژه‌نامه تخصصی انگلیسی به فارسی به آن افزوده شده تا مراجعان محترم را در معادل‌یابی اصطلاحات کمک نماید. در پایان لازم است از آقایان دکتر پژمان محمدی و دکتر نورمحمد صابری به خاطر کمک‌های ارزشمندشان در ترجمه‌ی برخی از قسمت‌های دشوار کتاب سپاسگزاری نمایم. هم‌چنین از بهروز رشادتی دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی به لحاظ بازخوانی متن تشکر می‌گردد.

بی‌شک اثر حاضر از عیب و نقص مبرا نیست. از این رو، انتظار می‌رود ارباب معرفت و صاحبان دانش با منت گذاردن بر اینجانب پیشنهادهای و انتقادهای مفید جهت بارورتر کردن و غنای علمی بخشیدن به اثر حاضر با اینجانب به آدرس الکترونیکی زیر در میان بگذارند.

housh_aghaci@yahoo.com

دکتر حسین آقایی جنت‌مکان

عضو هیأت علمی دانشگاه چمران اهواز